

بررسی رابطه نوسازی و تغییر نگرش‌ها و رفتارهای دینی جوانان شهر و روستاهای سنندج

حسین میرزایی^۱

سارا شریعتی^۲

نافع باباصفری^۳

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۲۱

چکیده

«دینداری» یکی از بنیادی‌ترین عناصر فرهنگی و اجتماعی جامعه کردستان، در گذار تاریخی خود با «نوسازی» که فرایندی ناتمام و «بیرونی» است؛ همواره با این پرسش مواجه بوده است که فرایند نوسازی چه تأثیری بر میزان دینداری کنشگران خواهد داشت؟ این پژوهش ارتباط میان نوسازی و تغییر نگرش‌ها و رفتارهای دینی جوانان شهر و روستاهای سنندج را بررسی می‌کند. پژوهش به روش پیمایشی در سطح شهر و شش روستای سنندج انجام شده است. برای آزمون فرضیه‌ها، ۵۸۳ نفر از جوانان (۱۸-۲۹ ساله) شهر و روستا به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه‌های مربوط به سنجش میزان دینداری، میزان نوگرایی، کیفیت زندگی و نیز با بهره‌گیری از اندیشه‌های برگرد درباره حاملان ثانوی نوسازی، پرسش‌های مربوط به متغیرهای شهرنشینی، تحصیلات و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی توسط آنان کامل شد. براساس نتایج بررسی داده‌ها، نوسازی با دینداری ارتباط معنادار و معکوس دارد؛ بدین ترتیب جوانانی که بیشتر از نوسازی متأثر بوده‌اند تعلق و پایبندی دینی کمتری دارند. از میان متغیرهای بررسی شده در تحلیل مسیر، «گرایش علمی» و «گرایش استقلال‌طلبانه» در نقش شاخص‌های نوگرایی و «شهرنشینی» بیشترین قدرت پیش‌بینی میزان دینداری را داشتند. نتایج بین روستاهای بررسی شده نیز نشان داد که تفاوت میانگین میزان تعلق و پایبندی دینی به لحاظ آماری معنادار است.

واژه‌های کلیدی: دینداری، رسانه‌های جمعی، کیفیت زندگی، نوسازی (مدرنیزاسیون)، نوگرایی (مدرنیسم).

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، hmirzaie@ut.ac.ir

۲. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، smazinani@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری مردم‌شناسی دانشگاه تهران، Nafebabasafari@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

«قوی‌ترین و مهم‌ترین عنصر باقیمانده از جهان گذشته و بهترین نماد دنیای قدیم، دین است» (سروش، ۱۳۸۸: ۱) و ناگزیر توری که نوسازی گسترده است (برمن^۱، ۱۳۸۶) دامن دین (بنیان سامان سنتی) را نیز گرفته است. این‌که ورود نوسازی به این «جامعهٔ بیم‌زده» تا چه اندازه جای را بر دین تنگ کرده است و دین با چنین هم‌نشینی، چگونه روزگاری خواهد داشت؛ دیرزمانی است که بسیاری را به خود مشغول کرده است و در این گذار، دین تحولات بسیاری را پیش‌رو داشته است. مفاهیمی همچون «خروج دین» مارسل گوشه ۱۹۸۵، «کسوف امر قدسی» ساینو اکواویوا ۱۹۶۷ و «افسون‌زدایی از جهان» وبر... تا دههٔ شصت میلادی بیانگر جایگاه دین در دنیای مدرن بود. اما پس از آن دهه در ادبیات جامعه‌شناسی تحول چشمگیری به وجود آمد: «بازگشت امر دینی» شامپیون، دورتیبه ۲۰۰۵، «بیداری دین»، «افسونگری مجدد جهان» برگر ۲۰۰۱، «انتقام خدا» ژیل کیل ۱۹۹۱ عناوین جدید آثاری بودند که سرنوشت دین در جهان مدرن را موضوع کار خود قرار داده بودند (شریعتی، ۱۳۸۵).

پیتر برگر^۲ جدی‌ترین تردیدها را درخصوص این نظریه‌ها بیان کرده است؛ تا جایی که در مقابل نظریه‌های عرفی‌شدن، از نظریهٔ «عرفی‌زدایی»^۳ سخن می‌گوید و دفاع می‌کند. اساس مدعای برگر این است که برخلاف انتظار تئوری‌پردازان و عرف‌گرایان، دنیای امروز به اندازهٔ گذشته آکنده از احساس دینی است و در برخی مناطق به علت احساس خطر بیشتر از سوی آثار عرفی‌شدن، این احساس‌ها حتی شدیدتر از گذشته بروز کرده است. بنابراین او عقیده دارد که ادبیات و نظریه‌های عرفی‌شدن در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ کاستی‌های بسیار داشته که خود نیز در آن سهم داشته است؛ بنابراین به بازخوانی‌های مجدد نیاز دارد. برگر می‌گوید این تصور که نوگرایی لزوماً به نابودی دین در جامعه و نزد افراد می‌انجامد، امروز اشتباه از آب درآمده است (شجاعی‌زند، ۱۳۷۸)؛ از عواملی که سبب شد برگر (۱۹۹۸: ۷۸۲) دورهٔ اول فکری خود را «اشتباه بزرگ» بنامد، خیزش جنبش‌های نوین دینی مانند انقلاب اسلامی ایران بود.

نوسازی^۴ در ایران فرایندی است ناتمام و «بیرونی» و در طول صدوپنجاه سال اخیر در میان

1. Berman, Marshal
2. Peter Ludwig Berger
3. Desecularization
4. Modernization

فرهنگ^۱ ایرانی حضوری پویا و همراه با دگرگونی داشته است. فرهنگ ایرانی، دین^۲ را در نقش یکی از زیربنایی‌ترین مفاهیم از گذشته‌های دور تاکنون در خود جای داده است و در این مسیر تغییر و تحول‌های فراوان داشته است؛ اما این تغییرها بسیار کند انجام گرفته‌اند. ولی در دنیای مدرن شرایط سریع در حال تغییر است به گونه‌ای که دامنه‌ای از تغییرها و گاه تحول‌های بنیادی را در بسیاری از زمینه‌ها می‌بینیم. گذر از جامعه سنتی به مدرن در ایران در حالی اتفاق می‌افتد که به نظر می‌رسد دین در ابعاد مختلف خود نقشی متفاوت در زمینه‌های گوناگون دارد و در واقع بعضی از ابعاد دینداری امروزه پررنگ‌تر و برخی دیگر از ابعاد دینداری یا تغییر شکل یافته‌اند یا حضور ندارند. بدین ترتیب چالش‌های نظری و اجتماعی دین در دنیای مدرن با نام عرفی شدن^۳، موضوعی است که در جامعه‌شناسی ایران جایگاهی ویژه داشته است. اگرچه آثار موجود در ایران «درباره سکولاریزاسیون بیشتر درخصوص ایده سکولاریسم است نه فرایند سکولاریزاسیون» (سعیدی، ۱۳۸۶). با وجود این، بسیاری از دغدغه‌های پژوهشی در این خصوص بوده است و کوشیده‌اند که چگونگی و چرایی تغییرهای دینداری را بررسی کنند آن‌گاه که ابعاد ذهنی و عینی نوسازی روزبه‌روز در زندگی بیشتر جریان می‌یابند.

از سوی دیگر مسئله‌ای که در جامعه ایران با آن روبه‌رو هستیم این است که جامعه ایرانی لزوماً سیر تحولی همسان با غرب نیمووده و ممکن است در این جامعه شاهد حضور همزمان دو پارادایم گفته شده (برگر اول و برگر دوم) یا نگاه‌های متفاوت و گاهی ضدونقیض از صاحب‌نظران باشیم؛ با توجه به شرایط نوسازی در ایران و آثار آن بر ساختار نهادی دین و بُعد ذهنی افراد به گونه‌ای که بسیاری از صاحب‌نظران ایرانی نیز با توجه به پژوهش‌های انجام‌گرفته نشان داده‌اند که «اگر عرفی‌شدن را به معنی افول کلی باورها و عواطف دینی بدانیم... پژوهش‌ها و شواهد درخصوص تداوم باورها و عواطف دینی در جوامع دیگر، این نظریه (عرفی‌شدن) را تأیید نمی‌کند و مؤید نظر پیتر برگر [برگر دوم] است» (سراج زاده، ۱۳۷۸)؛ و فقط تفاوت‌هایی دیده شده است که ناگزیر هر نسلی با نسل پیش از خود یا جامعه مدرن با سنتی با آن روبه‌رو است؛ یا این‌که با مفاهیمی مانند «الگوی رابطه طبقه اجتماعی و دینداری» (سراج‌زاده، ۱۳۷۸)؛ یا «تساهل [نداشتن] تقید شدید به مناسک و فرایض دینی» (نایی، ارمکی، ۱۳۸۵)

مسئله را بیان کرده‌اند. اکنون این پرسش باقی است که چرا برای رد الگوی نظری برگر اول، مفهوم حداکثری از عرفی‌شدن برگرفته‌شده است یعنی عرفی‌شدن، برابر نابودی کامل دینداری در نظر گرفته شده است و به تبع نظریه برگر اول آسان مردود خواهد شد؛ در حالی است که برای تأیید الگوی نظری برگر دوم، مفهوم حداقلی عرفی‌شدن برداشت شده (سراج‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۹۳) و تا اندازه زیادی همان مفهوم تغییر و «چگونگی» دینداری را دربرگرفته است. اکنون با بررسی مردم استان کردستان در نقش جامعه آماری موضوع پیچیده‌تر می‌شود. کردستان تفاوت ویژه‌ای با دیگر قومیت‌ها و نقاط جغرافیایی ایران دارد. کردستان برخلاف سرنوشت مشترک بسیاری از نقاط ایران، شرایط ویژه‌ای در گذار تاریخی خود داشته است؛ مخصوصاً در صدوپنجاه سال اخیر عواملی مانند جریان‌های سیاسی کردستان؛ تعامل‌های بین‌فرهنگی کردستان ایران با کردهای عراق، سوریه و ترکیه؛ گرایش‌های دینی خاص خود (مذهب تسنن)، مواجهه کردستان را با نوسازی، متفاوت از دیگر نقاط ایران نموده است. به گونه‌ای که شاید تعمیم نتایج پژوهش‌ها (در بحث نوسازی و دین) در دیگر نقاط ایران به کردستان امکان‌پذیر نیست. فرایند نوسازی در کردستان هرچند نسبی و اندک، تغییراتی را در ابعاد مختلف در پی داشته است و البته زمینه دین، از بنیادی‌ترین آنها بوده است.

با توجه به آن چه گفته شد بررسی ارتباط نوسازی و دینداری در کردستان ضروری است. این پژوهش نیز می‌کوشد که بر مبنای شاخص‌های بیان‌شده از سوی برگر (۱۳۸۱: ۱۰۴) برای نوسازی (تکنولوژی، اقتصاد و دیوان‌سالاری مدرن، شهرنشینی، آموزش همگانی و ارتباط‌های جمعی) و نیز با توجه به میزان نوگرایی (مدرنیسم) کنشگران، ارتباط نوسازی و دینداری را در بخشی از جامعه کردستان بررسی کند.

مرور تجربی

پژوهش‌های خارج از ایران: «تغییر جایگاه دین و مسئله سکولاریزاسیون در نوسازی تبت» پژوهشی است که میترا هارکونن^۱ سال ۲۰۰۹ به روش کیفی انجام داده است. هدف این پژوهش بررسی چگونگی تغییر جایگاه و وضعیت دین در تبت است و در پی پاسخ این پرسش است که جایگاه سکولاریزاسیون در نوسازی تبت چیست؟ تلاش‌ها برای نوسازی و فراهم کردن عناصر مدرنیته در تبت، پیامدهای مهمی برای جامعه سنتی تبت داشته است که اغلب نهادهای

مذهبی در آن بنا شده‌اند. عرفی شدن تقریباً در سطح سازمانی در تبت رخ داده است اما براساس نتایج مصاحبه‌ها، دین کماکان در زندگی فردی تبتی اهمیت دارد.

رونالد اینگلهارت و واین بیکر در پژوهش «نوسازی، تغییر اجتماعی و استمرار ارزش‌های سنتی» در سال ۲۰۰۰، با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی در ۱۹ کشور پیشرفته صنعتی، ۶ کشور کمونیستی سابق و ۸ کشور در حال توسعه و کم‌درآمد، براساس دو رویکرد معرفتی مارکسی و وبری، تحولات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی را بررسی کرده‌اند. بر مبنای نتایج این پژوهش، بررسی ارزش‌های جهانی، هم تغییر فرهنگی گسترده و هم استمرار ارزش‌های سنتی را نشان می‌دهند. «هدف توسعه اقتصادی هدایت جوامع به سمت و سوی مشترک است؛ اما نه تنها میراث جامعه را نابود نمی‌کند بلکه به نظر می‌رسد حرکتی همراستا با مسیر میراث فرهنگی دارد. تردید داریم که نیروهای نوسازی در آینده پیش‌بینی شونده، فرهنگ یکپارچه جهانی پدید آورد» (اینگلهارت و بیکر، ۱۳۸۵). با وجود این اینگلهارت پیش‌بینی اصلی نظریه نوسازی را تأیید کرد: توسعه اقتصادی با تغییرات اصلی در ارزش‌ها و عقاید مسلط همراه است. ارزش‌های سیاسی و اجتماعی جوامع ثروتمند تفاوت آشکار با جوامع فقیر دارد اما این لزوماً به معنای همگرایی فرهنگی نیست؛ بلکه روند کلی تغییرات فرهنگی را پیش‌بینی می‌کند که این فرایند مبتنی بر جایگزینی جمعیت و نسل‌هاست (غلامی‌پور، ۱۳۸۸).

نوریس و اینگلهارت (۲۰۰۴) در پژوهشی جهانی نشان دادند که فرایند عرفی شدن از کشورهای پیشرفته به سوی کشورهای در حال گذار در حرکت است و به میزان رشد شاخص‌های کیفیت زندگی، عرفی شدن نیز گسترده‌تر می‌شود؛ اگرچه به این نکته مهم نیز اشاره می‌کنند که شواهد حاکی از رشد روزافزون بنیادگرایی دینی است؛ اما این دین‌گرایی در مناطقی از جهان رو به رشد است که اغلب مردمان آن فقیرند و سطح پایین‌تری از شاخص‌های کیفیت زندگی به نسبت دیگر نقاط دنیا دارند و بیشتر بین ملت‌هایی است که نوسازی دولتی شکست خورده است. داده‌های این پژوهش بر مبنای پایگاه ارزش‌های جهان (WVS) و ارزش‌های اروپایی (EVS) بوده و بیش از ۸۵ درصد جمعیت جهان را شامل می‌شده است.

استون ال آلبرشت^۱ و تیم ب هیتون^۲ سال ۱۹۹۸ در پژوهش «رابطه بین عرفی شدن و سطح تحصیلات» با روش تحلیل ثانویه در امریکا، ارتباط عرفی شدن و میزان تحصیلات در سطح ملی

1. STAN L. ALBRECHT

2. TIM B. HEATON

را بررسی کردند. براساس نتایج این پژوهش، بین میزان تحصیلات و دینداری ارتباط معنادار و معکوس وجود دارد. آلبرشت و هیتون با بیان این که از نگاه برگر «آگاهی» ای که محصول نوسازی است منجر به عرفی شدن می شود و تحصیلات از حاملان ثانویه نوسازی است که موجب «آگاهی» کنشگر می شود؛ همچنین این مسئله را بررسی می کنند که اساساً نوسازی به شکل غربی، موجب افزایش گروهی می شود که زندگی خود را بدون «بهره مندی از تفسیر دینی» (برگر، ۱۹۶۷: ۱۰۷؛ به نقل از آلبرشت و هیتون، ۱۹۹۸) شکل می دهند.

اسکات فلانگان^۱ و لی. ای ری^۲ سال ۲۰۰۰ در پژوهش «تغییرات ارزشی و اصلاحات در ژاپن و کره» کوشیدند علل اصلاحات دموکراتیک رخ داده در ژاپن و کره دهه گذشته را مشخص کنند. به اعتقاد آنها، تغییر در گرایش ها و ارزش های عامه مردم علت اصلی اصلاحات اخیر است. فلانگان و لی معتقدند که تغییر در محیط تکنولوژیکی-مادی، درون یک مجموعه تغییر ارزشی جای دارد که سبب از بین رفتن قدرت اقتدار به واسطه تغییر گرایش های مردم می شود. زمینه فنی و اقتصادی مناسب، سبب کاهش نیاز برای تأکید بر ارزش های اقتدارگرا و عاملی برای رشد انگیزه تحقق خود می شود. در نهایت آنها بیان می کنند که عللی همچون برابری فزاینده درآمد (توسعه و برابری اقتصادی و اجتماعی) سبب زندگی و تحصیلات، سکونت شهری و درآمد بر تعیین ارزش ها مؤثر و متغیر «نسل» از سایر متغیرها مهم تر بوده است (غلامی پور، ۱۳۸۸).

«آیا دین مسئله است؟» پژوهشی است از محمد رواس^۳، زیاد سویدان^۴ و جمال آل خطیب^۵ که در ژاپن (۲۰۰۶) انجام شده است. در این پژوهش تطبیق باورهای اخلاقی بین دانشجویان و اقلیت های قومی و مذهبی و عوامل مؤثر بر آن بررسی شده است. بر مبنای تجزیه و تحلیل رگرسیون چندمتغیره، دانشجویان دانشگاه های سکولار ژاپنی در شاخص هایی مانند اومانیسیم امتیاز بالاتر و در شاخص های سنتی امتیاز کمتری داشتند و در مقایسه با دیگر پاسخگویان میزان تعلق و پابندی آنها در زندگی روزمره کمتر بود.

اینکلس و اسمیت در پژوهشی با نام «{چگونه} مدرن شدن» (۱۹۷۴) به این پرسش می پردازند که آیا در صورت قرارگیری مردم جهان سوم در معرض آثار تجدد غربی، نگرش آنان

1. Scot C. Flanagan
2. Lee, Aie. Rie
3. Mohammed Y. A. Rawwas
4. Ziad Swaidan
5. Jamal Al-Khatib

نسبت به گذشته نوگرایانه‌تر می‌شود؟ در این پژوهش بررسی تطبیقی در شش کشور آرژانتین، اسرائیل، هند، شیلی، نیجریه و پاکستان انجام شده است. در مجموع نتایج حاکی از ارتباط منفی بین مذهب و مدرنیته است (اینکلس و اسمیت، ۱۹۷۴: ۱۱۳؛ به نقل از جوزف ب. تامنی، ۱۹۹۰). براساس نتایج پژوهش‌هایی با رویکرد تاریخی و نظری در این خصوص، دین و دینداری لزوماً مخالف نوسازی نبوده است؛ بلکه گام‌هایی بلند در راستای نوسازی برداشته است. برای نمونه کریستین کیم^۱ (۲۰۰۷) در پژوهش «مسیحیت و تجدد در کره قرن بیستم» نشان داده است که باوجود نظریه‌های سکولار نوسازی که برای دین و سنت ارزشی قائل نیستند زیرا به نسبت گزاره‌های تغییرناپذیری دارند؛ اما در کشوری مانند کره جنوبی، دین و دینداری در راستای نوسازی توانسته است کره را در رده یازدهم از کشورهای برتر دنیا و در زمینه شاخص توسعه انسانی در سطح سی کشور برتر دنیا قرار دهد. در حالی که براساس سرشماری سال ۲۰۰۵ کره جنوبی، مسیحیت نزدیک به ۳۰ درصد و بودیسم ۲۲/۸ درصد رایج است. همچنین برگر (۲۰۰۸) در پژوهش «مذهب و توسعه» به این مسئله پرداخته است که «چگونه نیروی مذهبی جدید، در بطن توسعه اقتصادی جای گرفته است». نتایج این پژوهش، انعطاف سنت‌های مذهبی، پتانسیل اجتماعی- اقتصادی سنت‌های مذهبی و امکان شکل‌گیری نوسازی در چارچوب‌های متناسب با ادیان و فرهنگ کشورهای مختلف را از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توسعه می‌داند.

پژوهش‌های داخل ایران: «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه سکولار شدن» عنوان پژوهشی است که سال ۱۳۷۸ سیدحسین سراج‌زاده انجام داده است. هدف این پژوهش، سنجش ابعاد مختلف دینداری بین دانش‌آموزان سوم دبیرستان شهر تهران و نیز بررسی شواهد سکولارشدن بین آنها بوده است. براساس نتایج به‌دست‌آمده، در دو بُعد لطیف‌تر دینداری که ناظر به اصول اعتقادات دینی (مانند اعتقاد به خدا، نبوت، معاد و...) و نیز عواطف دینی شخصی (مانند احساس گونه‌ای ارتباط با موجودات مقدس و متعالی) هستند، نوجوانان بررسی‌شده دیندارتر بودند. در دو بُعد دیگر یعنی بُعد مناسکی و پیامدی، که ناظر به کاربرد دین در زندگی اجتماعی و انجام مراسم عبادی جمعی است، امتیاز دینداری پاسخگویان کمتر بود.

«سکولاریسم و ارتباط آن با تحصیلات عالی (مطالعه موردی جامعه شهری تهران)» پژوهشی است که هوشنگ ناییبی و آزادارمکی سال ۱۳۸۶ انجام دادند. هدف این پژوهش بررسی آرای پیتر برگر (سکولاریزاسیون و سکولارزدایی) و اعتبار تجربی آن در جامعه ایران است؛ برای آزمون فرضیه‌ها به داده‌های پایان‌نامه مریم زارع (۱۳۸۴) استناد شده است.

«بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان» پژوهشی است که سال ۱۳۸۵ با همکاری غلام‌عباس توسلی و ابوالفضل مرشدی انجام شده است. هدف این پژوهش بررسی سطح دینداری و تشخیص گرایش‌های دینی دانشجویان فنی دانشگاه صنعتی امیرکبیر بوده است. براساس نتایج این پژوهش، باورهای دینی دانشجویان در سطح بالا و پایبندی آنها به انجام دادن مناسک فردی دینی متوسط به بالا است، اما پایبندی آنها به انجام دادن اعمال جمعی دینی کم ارزیابی شده است. همچنین گرایش به دین خصوصی، برخورد گزینشی با دین و گرایش به تکثرگرایی دینی بین دانشجویان بسیار رایج است.

«بررسی وضعیت دینداری در ایران: (با تأکید بر داده‌های پیمایش‌های سه دهه گذشته)» پژوهش است که عباس کاظمی و مهدی فرجی سال ۱۳۸۸ انجام داده‌اند. هدف این پژوهش ترسیم روند تغییرات دینداری مردم ایران در سه دهه گذشته است. براساس نتایج، رفتارهای فردی دینی روندی باثبات یا نسبتاً صعودی داشته‌اند و این افزایش در اقسام مختلف اجتماعی کمی متفاوت است. اما برخی مناسک جمعی روندی کاهشی داشته و وضعیت زنان در این بُعد متفاوت با سایر ابعاد است. عقاید و تجربه‌های دینی نیز در سطح بسیار بالایی قرار دارند.

«بررسی تغییر نگرش‌های دینی دانش‌آموختگان آموزش عالی» پایان‌نامه محمدرضا مهدیزاده است که سال ۱۳۷۹ با راهنمایی غلام‌عباس توسلی، انجام شد. هدف این پایان‌نامه بررسی وضعیت دین در زمینه مدرنیته بیان شده است؛ پژوهشگر یکی از روستاهای کاشان را برای جامعه آماری و برای بررسی تغییر نگرش دینی، سه بُعد نگرش دینی را با شاخص‌های باورهای دینی، اعمال دینی و تجارب و تعهدات دینی انتخاب کرد. نتایج پژوهش حاکی از جابه‌جایی نگرش‌های دینی درباره ارزش‌های مدرن (تحصیلات) بوده است؛ تحصیلات دانشگاهی، رویکرد افراد به قضا و قدر، توکل، سرنوشت، تجارب زیباشناسی، سیاست، علم، دموکراسی و عقلانیت را تغییر داده است اما اعمال افراد تغییر کمتری داشته است که این شاید به دلیل سنتی و روستایی بودن افراد باشد. بنابراین نتیجه می‌گیریم رویکرد نهادی به دین در حال تغییر است و افزایش تحصیلات، نگرش‌های دینی فرد را نیز تغییر می‌دهد.

«تغییر نگرش‌ها و رفتارهای دینی جوانان» پایان‌نامه مریم زارع است که سال ۱۳۸۴ با راهنمایی آزاد ارمکی و مشاوره نایی، انجام داده است. هدف این پایان‌نامه بررسی وضعیت دینداری دانشجویان دانشگاه‌ها در مقایسه با دیگران بوده است؛ چارچوب مفهومی برگر، و ابعاد دینداری (بعد اعتقادی، رفتاری در سطح رسمی و غیررسمی و نگرشی) برای سنجش دینداری، در این پژوهش استفاده شده‌اند. پژوهشگر بر مبنای یافته‌های خود این‌گونه بیان می‌کند: «نتایج به‌دست‌آمده دیدگاه برگر دوم را تأیید می‌کند. براساس نتایج اختلاف دینداری دانشجویان و افراد غیردانشجو کم است. با وجود این، همه از الگویی واحد در دینداری پیروی نمی‌کنند...» و تفاوتی بین نمایندگان جامعه مدرن با غیردانشجویان وجود ندارد و هر دو معتقد به اصول دینی هستند. درخصوص رفتار جمعی دینی، یافته‌ها نشان می‌دهند که سکولاریسم در حال رخ‌دادن است و دانشجویان و غیردانشجویان بسیاری از رفتارهای جمعی را انجام نمی‌دهند.

جمع‌بندی پیشینه: پژوهش‌های خارج از ایران بیانگر تأثیر نوسازی بر دینداری هستند اما یافته‌ها درباره این‌که نوسازی منجر به نابودی دینداری شده باشد یا یکدیگر همخوانی ندارند؛ البته بیشتر پژوهش‌های داخلی، بر این یافته توافق دارند که از دیدگاه باورهای اعتقادی و انجام اعمال فردی، پاسخگویان التزام بالایی دارند ولی در بعد مناسک جمعی التزام کمتری دارند. اگر چه تقریباً بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده درخصوص دینداری بر دانشجویان متمرکز است. اما بیان این نکته ضروری است که در پژوهش‌های انجام‌شده در ایران، به میزان نوسازی و ارتباط آن با دینداری کمتر پرداخته شده است و بیشتر به سنجش میزان دینداری بدون توجه به سطح رشد شاخص‌های نوسازی پرداخته شده است.

بنابراین نوسازی منجر به تغییر در دینداری شده است اما همچنان این پرسش باقی است که گستردگی تغییرات چه اندازه است و آیا این تغییرات محدود به تغییر در «چگونگی» دینداری (برگر دوم) یا تغییر در «چیستی» دینداری (برگر اول) شده است؟

مبانی نظری

دین^۱ و دینداری^۲: با اشاره به این نکته که تعریف‌ها به خودی خود «درست» یا «نادرست» نیستند بلکه ممکن است فقط کمتر یا بیشتر مفید باشند برگر در پیوست پایان کتاب سایبان

مقدس می‌گوید: «به همین دلیل مشاجره بر سر تعریف‌ها تا اندازه‌ای بی‌معنی است؛ اما چنانچه میان تعریف‌ها در یک زمینه خاص مغایرت وجود داشته باشد، مباحث دربارهٔ سودمندی خاص آنها اهمیت می‌یابد» (برگر، ۱۹۹۰: ۱۷۵؛ به نقل از یوسف‌زاده، ۱۳۸۸). به عقیدهٔ رابرتسون (۱۹۷۰: ۵۱) چون تلاش‌های جامعه‌شناسان برای دستیابی به تعریفی واحد و مشترک از دین، تا دههٔ پنجاه به نتیجه‌ای نرسید، کسانی مانند لسنکی و گلاک برای رفع مشکل در پژوهش‌های تجربی و کاربردهای عملی به مشخص کردن ابعاد «دینداری»^۱ گرایش پیدا کردند (شجاعی‌زند، ۱۳۷۸). در مقابل دینداری و ابعاد آن، مفهوم عرفی‌شدن^۲ سر برآورده است. «آلن بیرو» معتقد است: Secularization برگرفته از ریشهٔ *secularis* به معنای «نامقدس» و «غیرروحانی»، فرایندی است که براساس آن، واقعیات موجود در قلمرو دینی، جادویی و مقدس، به قلمرو امور نامقدس و طبیعی منتقل می‌شوند؛ در زمینهٔ حیات اجتماعی، غیردینی کردن با زدودن بُعد تقدس‌آمیز برخی از مظاهر جهان و جایگاه انسان در جهان همراه است و در این فرایند، جنبه‌های عقلانی، علمی و فنی، جایگزین مظاهر دینی و نمایش جهان با امور مقدس و الهی می‌شوند. از دیدگاه العطاس (۱۳۷۴: ۲۰) نیز سکولاریزاسیون که به رهایی انسان از کنترل و نظارت دین و نیز از تأثیر مفاهیم و ارزش‌های ماورای طبیعی بر عقل و زبان تعریف می‌شود، به معنای رهایی‌بخش اندیشهٔ بشری از دریافتهای دینی و شبه‌دینی و از هم پاشیدن همهٔ جهان‌بینی‌های بسته و شکستن همهٔ اسطوره‌های فوق طبیعی و نمادهای مقدس است (نبویان، ۱۳۸۳). عرفی‌شدن در تجربهٔ غربی- مسیحی متفاوت از عرفی‌شدن شرقی- اسلامی است؛ این تفاوت به سبب «سنت قدسی» در مسیحیت و «سنت ناقده» در اسلام و عام یا خاص بودن و تفاوت‌های دیگری است که اسلام را از دیگر ادیان متمایز می‌کند؛ و این تمایز، شاخص‌های عرفی‌شدن را نیز در تجربهٔ دینی اسلامی متفاوت از تجربهٔ دینی مسیحیت می‌کند (شجاعی‌زند، ۱۳۸۱).

نوسازی: عبارت است از «دگرگونی تام جامعهٔ سنتی یا ماقبل مدرن به سوی انواع تکنولوژی و سازمان اجتماعی مرتبط، که جزو مختصات ملل با اقتصاد پیشرفته و ثروتمند و نظام سیاسی نسبتاً باثبات غربی است» (ترنر، ۱۹۹۰). بر مبنای تعریف پیتز برگر^۳ نوسازی «فرایندی است که در آن گروه خاصی از نهادها و مضامین آگاهی انتقال می‌یابد یعنی انتقال یک مجموعه». برگر با

1. Religiosity
2. Secularization
3. Berger, Peter. L

استفاده استعارگونه از مفهوم «مجموعه»، برای نمایش ارتباط تجربی فرایندهای نهادی و آگاهی مدرن ملازم با آنها به کشمکش قدیمی نظریه‌های روبنا و زیربنا وارد می‌شود که مارکس آغازگر آن بود: «یک فرایند نهادی یا یک گروه که عنصر خاصی از آگاهی را تولید کرده یا انتقال داده است» (وکیلی‌زاد، طایفی، کریمی، ۱۳۷۸). اینگلههارت (۱۳۸۹) در «نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی»، نوسازی را سندروم تغییرات اجتماعی مرتبط با صنعتی شدن می‌داند و با فعالیت این سندروم، در همه جنبه‌های زندگی رسوخ می‌کند و تخصصی شدن، شهرنشینی، رشد سطح آموزش، افزایش امید و رشد اقتصادی سریع را در پی خواهد داشت.

بررسی دیدگاه اندیشمندان مکتب نوسازی همچون اینکلس، لرنر، هوزلیتز^۱ و شارما^۲ و همچنین نظریه‌های گیدنز نشان می‌دهد که برخی عوامل مستقیم یا جانبی پیش‌برنده هر جامعه به سوی نوسازی است. برای نمونه زندگی در شهر و امکاناتی که این گونه زیستن در اختیار فرد قرار می‌دهد نوگرایی را آسان می‌کند. به نظر هوزلیتز، ساکنان شهرها، در انطباق با شیوه‌های جدید، تکنولوژی جدید، فرض‌های جدید، الگوهای تولید و نهادهای اجتماعی جدید ترند (اینکلس، ۱۹۷۴: ۲۱۸). پژوهش‌های اینکلس و اسمیت نیز نشان می‌دهد که خاستگاه شهری و تعداد سال‌های زندگی افراد در شهر با میزان نوگرایی آنان ارتباطی تنگاتنگ دارد (ازکیا، ۱۳۷۷: ۱۱۲). البته آثار جانبی تجربه شهرنشینی در شاخص نوگرایی بسیار بیشتر از آثار مستقیم آن است. اینکلس و اسمیت عواملی همچون وسایل ارتباطی، آموزش رسمی و تجربه کاری را از آثار جانبی برمی‌شمارند (اینکلس، ۱۹۷۴: ۲۲۷). پژوهش این دو مؤکد پژوهش‌های لرنر درباره نقش مهم وسایل ارتباط جمعی در میزان نوگرایی افراد است. براساس مرور مجموع نظریه‌های نوسازی، عواملی مانند شهرنشینی، صنعتی شدن، سطح تحصیلات، جایگاه اجتماعی، شیوه جامعه‌پذیری، ارتباطات (شامل حمل و نقل، پست و رسانه‌ها) و ایدئولوژی حکومت، مستقیم یا غیرمستقیم جامعه را به سوی نوسازی هدایت می‌کند. افراد نوگرا نیز ویژگی‌هایی همچون علمگرایی، تساوی‌طلبی، گرایش جهانی، پیشرفت‌گرایی، استقلال‌طلبی، گرایش مدنی، گرایش دموکراتیک، خطرپذیری و پذیرش تجربه‌های جدید دارند.

اگرچه در این پژوهش مدرنیزاسیون مبناست و مشخصاً مدرنیته و مدرنیسم را بررسی نخواهیم کرد اما بر آن نیستیم که ذهنیت انسان متجدد را به گونه‌ای «عمران‌زدگی^۱ فاوستی^۲» تنزل دهیم؛ و آگاهی که بسیاری از نوشدن‌های جهان بیرون نیازمند نوشدن جهان افکار است (سروش، ۱۳۸۴: ۳۵۰).

چارچوب نظری پژوهش

در این بخش چارچوب نظری با تأکید بر عقاید پیتر برگر بیان می‌شود و الگوی نظری پژوهش با توجه به چارچوب نظری مشخص خواهد شد. برگر در ارتباط با عرفی‌شدن دو دوره فکری داشت؛ او در یک دوره فکری بلندمدت از این نظریه دفاع می‌کند که دین در نقش «سایبانی مقدس» است به گونه‌ای که افراد جامعه را زیر چتری فراگیر و نظم‌بخش گردهم می‌آورد. در این زمینه، دین سازوکاری شناختی-معنایی است که به شیوه‌ای مقدس، شیوه زیستن جمعی و فردی را برای انسان فراهم می‌کند. برگر در بخش دیگری از زندگی خود به ارتباط دین و عرفی‌شدن بیشتر می‌اندیشد و به این نتیجه می‌رسد که بُعد نظم‌بخش و نهادین دین در حال فروکاهش است اما بُعد شناختاری و فردی آن همچنان در حال رشد است. در دوره اول به این ارتباط می‌اندیشد که مدرنیته و مظاهر آن به عرفی‌شدن منجر می‌شود که نقش حاملان آگاهی در جامعه را دارند (برگر، ۱۹۹۰: ۱۷؛ به نقل از یوسف‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۳۶). پیتر برگر را به دو دوره تقسیم می‌کنیم:

۱. پیتر برگر (اول): به عقیده ام مدرنیته و به تبع آن، نوسازی منجر به نابودی دین و

گسترش پدیده عرفی‌شدن در جوامع جدید می‌شود.

۲. پیتر برگر (دوم): با بازگشت و تغییر نگرش در دیدگاه‌های خود، بیان می‌کند که مدرنیته

و به تبع آن نوسازی لزوماً منجر به نابودی دین نمی‌شود.

در این پژوهش دیدگاه «اول» و «دوم» برگر، چارچوب نظری انتخاب شده است و با توجه

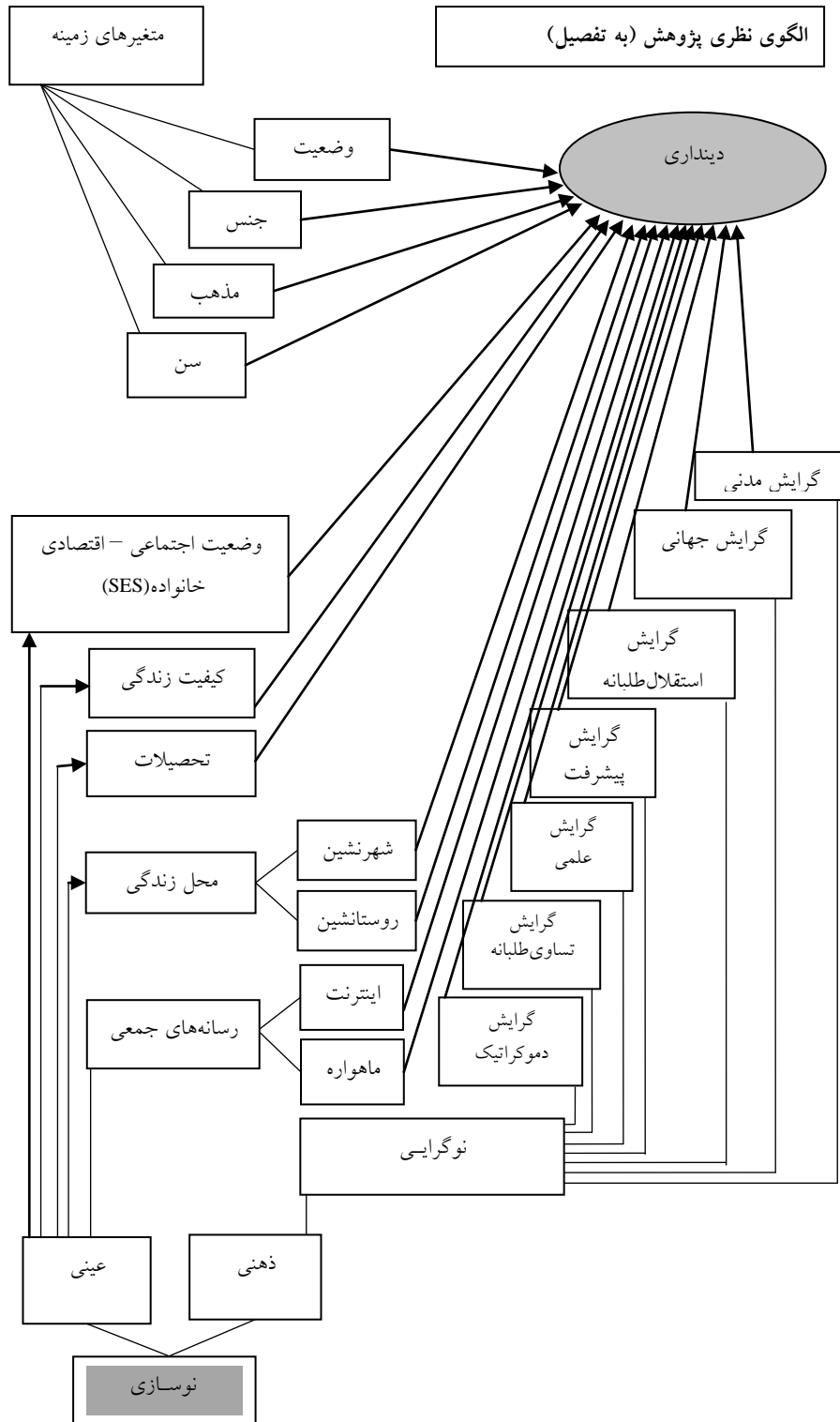
به شاخص‌هایی که برگر برای نوسازی (۱۳۸۱: ۱۰۴) بیان می‌کند (تکنولوژی، اقتصاد و

دیوان‌سالاری مدرن، شهرنشینی، آموزش همگانی و ارتباط‌های جمعی)، ارتباط نوسازی و

عرفی‌شدن در بُعد «ذهنی-شناختاری» را بررسی خواهیم کرد.

1. Developmentalism

2. Faust



فرضیه‌های پژوهش

فرضیه‌ها با توجه به الگوی نظری فرمول‌بندی و براساس نظریه‌های پیتر برگر بیان شده‌اند که عبارتند از:

فرضیه‌های اصلی

۱. بین ابعاد نوسازی و نابودی عقاید دینی ارتباط معنادار وجود ندارد؛ نوسازی تاکنون منجر به نابودی عقاید دینی نشده است و عقاید بنیادی به دین، عمومیت گسترده‌ای در جامعه دارد و بیشتر جوانان چه در شهر سنندج و چه در روستاها به اصول دین (توحید، نبوت، معاد) معتقدند و جوانان سکولار (به اصول دین اعتقاد ندارند) بسیار اندک هستند (برگر دوم).
۲. بین ابعاد نوسازی و عرفی شدن از جنبه بُعد عاطفی (تجربی)، ارتباط معنادار وجود ندارد (برگر دوم).
۳. بین ابعاد نوسازی و عرفی شدن از جنبه بُعد پیامدی، ارتباط معنادار و معکوس وجود دارد (برگر اول).
۴. بین ابعاد نوسازی و عرفی شدن از جنبه بُعد مناسکی (فردی و جمعی)، ارتباط معنادار و معکوس وجود دارد (برگر اول).

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

دینداری: دینداری در این پژوهش براساس الگوی «گلاک و استارک» است. ابعاد دینداری عبارت است از: اعتقادی، مناسکی، پیامدی عاطفی و فکری.

- بعد اعتقادی یا باور دینی همان ایده‌ها و نگرش‌هایی است که انتظار می‌رود پیروان یک دین به آن اعتقاد داشته باشند مانند اعتقاد به خدا، دوزخ و ...
- بعد مناسکی که انتظار می‌رود پیروان یک دین آنها را به جا آورند؛ مانند نماز، روزه و... در دین اسلام.
- بعد عاطفی یا تجربی که ناظر به عواطف، تصورها و احساسات پیروان یک دین با وجودی الهی است مانند خدا یا واقعیتی غایی و اقتداری متعالی.
- بعد فکری یا دانش دینی که اطلاعات و دانسته‌های بنیادی درخصوص معتقدات هر دین است.

• بعد پیامدی یا آثار دینی که ناظر بر آثار باورها، اعمال، تجربه‌ها و دانش دینی بر زندگی روزانه است و همان تأثیر و انعکاس دین بر رفتارهای روزمره است (افشانی، ۱۳۸۱: ۷۹).

این مقیاس را سراج‌زاده (۱۳۷۸) با توجه به الگوی دینداری گلاک و استارک طراحی کرده و با اسلام تطبیق داده شده است. برای سنجش اعتبار مقیاس‌ها از آزمون روایی صوری، روایی ساختی و روایی بیرونی استفاده شده است. برای آزمون پایایی نیز از روش اجرای مجدد مقیاس و روش پایداری درونی استفاده شده است. ضرایب آلفای به‌دست‌آمده عبارتند از: بُعد اعتقادی ۰/۸۱، عاطفی (تجربی) ۰/۷۵، پیامدی ۰/۷۲، مناسکی ۰/۷۲.

نوسازی

تعریف مفهومی: فرایند دگرگونی اجتماعی که در آن «جامعه در حال توسعه» مختصات «جامعه پیشرفته‌تر» را به‌خود می‌گیرد (لرنر، ۱۹۶۸: ۳۸۶؛ به نقل از شهبازی، ۱۳۸۱) و از دیدگاه برگر (۱۹۷۴) نوسازی «فرایندی است که در آن گروه خاصی از نهادها و مفهوم‌های آگاهی انتقال می‌یابد یعنی انتقال یک مجموعه». اصلی‌ترین متغیر مستقل پژوهش، نوسازی است که به دو بعد عینی و ذهنی تقسیم شده است؛ در بُعد عینی با بهره‌گیری از اندیشه‌های برگر در خصوص حاملان ثانوی نوسازی، متغیرهای شهرنشینی، تحصیلات و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی (محدود به ماهواره و اینترنت) را بررسی خواهیم کرد. بعد ذهنی آن نیز بیانگر حیثیت مکتبی و اعتقادی مدرنیته و جهان‌بینی و ایدئولوژی فرهنگ و تمدن جدید غرب است که عناصری مانند عقل‌گرایی، تجربه‌گرایی، انسان‌مداری، مادی‌گرایی، ناواقع‌گرایی معرفت‌شناختی، احساس‌گرایی اخلاقی، سنت‌ستیزی و پیشرفت‌گرایی را دربرمی‌گیرد. نوگرایی با توجه به پژوهش اینکلس، اسمیت و شارما (به نقل از مهدیزاده، ۱۳۸۰) در ابعاد مختلف همچون علم‌گرایی، تساوی‌طلبی، گرایش جهانی، پیشرفت‌گرایی، استقلال‌طلبی، گرایش مدنی و گرایش دموکراتیک سنجیده خواهد شد و پرسش‌های آن نیز از پژوهش (مهدیزاده، ۱۳۸۰) برگرفته خواهد شد.

نوگرایی براساس مفاهیم زیر تعریف و اندازه‌گیری شده است:

۱. علم‌گرایی^۱: گرایش به شناخت جهان براساس شواهد علمی و پژوهشی به جای خرد دوران گذشته؛
 ۲. تساوی‌طلبی^۲: التزام عقلانی به اصل تساوی حقوق و پایگاه انسانی، بدون قائل شدن هر گونه تبعیض براساس جنبه‌های منسوب به جنس، قوم و...؛
 ۳. گرایش جهانی^۳: گرایش به ترجیح هنجارهای عمومی در اجرای نقش‌های عام فراتر از وفاداری‌های ویژه به خویشاوندان، دوستان و...؛
 ۴. پیشرفت‌گرایی^۴: گرایش مثبت به غلبه بر تقدیرگرایی، موفق شدن و باور به مفید بودن برنامه‌ریزی؛
 ۵. استقلال‌طلبی^۵: گرایش به رهایی از اجبارهای ساختار اقتدار سنتی و هم‌نوا نشدن با چنین هنجارهایی؛
 ۶. گرایش مدنی^۶: گرایش به دریافت اخبار ملی و بین‌المللی و کوشش برای شکل‌دهی و تمرکز افکار بر محور موضوع‌های مشخص؛
 ۷. گرایش دموکراتیک^۷: گرایش مثبت به حفظ و رعایت حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی برای همه افراد و گروه‌های جامعه و وجود فرصت‌های مساوی برای مشارکت آزادانه همه در ارزش‌های آن جامعه (مهدیزاده، ۱۳۸۱: ۹۶-۹۵)؛
 ۸. خطرپذیری^۸: آگاهی از خطرهای احتمالی که ابزاری برای غلبه بر موانع و مشکلات آینده است؛
 ۹. پذیرش تجربه‌های جدید^۹: آمادگی آزمایش ایده تجربه‌های جدید در مقابل تجربه‌های گذشته (گیدنز، ۱۳۷۸: ۳۲۵).
- برای روایی و پایای ابزار نیز اگرچه قبلاً این پرسشنامه هنجاریابی شده و روایی و پایایی آن مناسب گزارش شده بود با وجود این دوباره برای پایایی آن از آلفای کرونباخ استفاده شد و میزان آلفای به‌دست‌آمده در همه ابعاد بیشتر از ۷۶ درصد بود.

-
1. Scientific orientation
 2. Egalitarian orientation
 3. Universalistic orientation
 4. Achievement orientation
 5. Independence orientation
 6. Civic orientation
 7. Democratic orientation
 8. Risk culture
 9. Accepting new experiences

کیفیت زندگی

تعریف مفهومی: درک فردی از موقعیت زندگی خود در زمینه فرهنگی و ساختار ارزشی در راستای رسیدن به اهداف و انتظارات و ارزش‌ها را گویند. البته دو دیدگاه درباره کیفیت زندگی وجود دارد:

۱. کیفیت زندگی فردی: مواردی چون احساس شادی، احساس سلامتی، داشتن تعطیلات طولانی و ... ؛

۲. کیفیت زندگی جمعی: به وجود صلح و آرامش در جامعه، پذیرش هنجارها در جامعه از سوی همه، فراهم بودن منابع اقتصادی برای همه و... اشاره دارد (فیلیپس، ۲۰۰۶: ۳۳).

تعریف عملیاتی: کیفیت زندگی در مجموع چهار بُعد اصلی دارد که عبارتند از: سلامت جسمی^۱، سلامت روان^۲، روابط با دیگران^۳ و محیط زندگی^۴. این مقیاس (کیفیت زندگی)^۵ را سازمان بهداشت جهانی طراحی کرده است (اسکوینگتون^۶، لاتفی^۷ و اوکانل^۸، ۲۰۰۴).

در نتایج گزارش شده از سوی گروه سازندگان مقیاس کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی، ضریب آلفای کرونباخ بین ۰/۷۳-۰/۸۹ برای خرده‌مقیاس‌های چهارگانه و کل مقیاس گزارش شده است که در ۱۵ مرکز بین‌المللی این سازمان صورت گرفته است (نصیری و رضویه، ۱۳۸۵). در این پژوهش نیز میزان آلفای کرونباخ مقیاس کیفیت زندگی ۰/۸۵ به دست آمد.

محل زندگی: شهری یا روستایی بودن. شهری یا روستایی بودن به دو دسته تقسیم شده است: الف) «منشأ شهری یا روستایی داشتن» ب) محل زندگی کنونی و تعداد سال‌ها. منظور از منشأ شهری یا روستایی داشتن، سکونت در شهر یا روستا در سال‌های اولیه عمر است که بر مبنای فرایند اجتماعی شدن ممکن است صفات و خصوصیات شخصیتی متفاوتی را به وجود آورد. در این پژوهش برای سنجش «منشأ شهری یا روستایی داشتن» زندگی در ۱۰ سال اولیه مبنای سنجش است.

-
1. Physical Health Domain
 2. Psychological Domain
 3. Social relationship Domain
 4. Environmental Domain
 5. WHOQOL
 6. Skevington
 7. Lotfy
 8. O,Connel

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی^۱ با روش پیمایش و مقطعی انجام و اطلاعات در یک مرحله زمانی جمع‌آوری می‌شود. جامعه آماری این پژوهش همه جوانان شهر و روستاهای سندج هستند که براساس سرشماری ملی سال ۱۳۸۵، برابر با ۹۷۸۰۷ نفر بوده است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران^۲ استفاده شده و حجم نمونه ۶۵۰ است. با توجه به این که قسمتی از این پژوهش بررسی تطبیقی شهر و روستا بود حجم نمونه ۶۵۰ در نظر گرفته شد. در این پژوهش دو گونه جامعه آماری وجود دارد؛ جامعه شهر و جامعه روستا. در جامعه شهر سندج به دلیل ساختار جامعه آماری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای^۳ چندمرحله‌ای استفاده شده است. در جامعه روستایی نیز در بخش اول از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. در مجموع شش روستای سراب قامیش، اجگره، دویسه، تنگی‌سر، نیر و محراب انتخاب شدند و به نسبت میزان جمعیت، پاسخگویان انتخاب شدند.

یافته‌های پژوهش

بخش اول یافته‌های توصیفی است که در جدول ۱ می‌بینید.

جدول ۱. داده‌های توصیفی جمعیت‌شناختی

نمونه	زن	مرد	مجرد	متاهل	بی‌سواد	ابتدایی و راهنمایی	تحصیلات متوسطه	فوق دیپلم و لیسانس بالاتر	فوق لیسانس و بالاتر
شهر	۴۴/۴	۵۵/۶	۹۳/۰	۹/۷	۰	۳/۸	۱۸/۵	۷۶/۸	۰/۹
روستا	۵۶/۸	۴۳/۲	۷۸/۰	۲۸/۴	۰/۴	۴۳/۲	۴۳/۲	۱۲/۳	۰/۸

براساس جدول ۱، از پاسخگویان بررسی‌شده در روستا ۴۳/۲ درصد مرد و ۵۶/۸ درصد زن بوده‌اند؛ یعنی در مجموع میزان پاسخگویان مرد و زن تقریباً برابر است. همچنین از پاسخگویان بررسی‌شده در شهر، ۹۳ درصد مجرد و ۹/۷ درصد متأهل بوده‌اند. در روستا نیز ۷۸ درصد از پاسخگویان مجرد و ۲۸/۴ درصد متأهل بوده‌اند. با توجه به داده‌های موجود میزان ۹۳ درصدی

1. Descriptive- analytic
2. Cochran
3. Cluster sampling

پاسخگویان مجرد در شهر، نشان‌دهنده بالارفتن سن ازدواج در شهر به نسبت ۷۰ درصدی پاسخگویان مجرد در روستا است.

جدول ۲. پراکندگی درصد فراوانی ابعاد دینداری

مجموع	مناسکی	پیامدی	عاطفی	اعتقادی	ابعاد دینداری	
۶/۵	۳۲/۶	۱۶/۸	۲/۴	۳/۸	اصلاً	
۳۴/۴	۳۷/۴	۴۲/۶	۱۰/۳	۱۲/۶	کم	
۵۴/۷	۲۷/۱	۳۶/۶	۵۱/۸	۳۴/۱	متوسط	شهر
۴/۱	۲/۹	۲/۶	۳۲/۱	۴۳/۸	زیاد	
۰/۳	۰	۱/۲	۳/۵	۵/۶	کاملاً	
۱/۶	۵/۳	۵/۳	۱/۶	۰/۸	اصلاً	
۹/۵	۲۹/۲	۳۰/۹	۴/۱	۴/۵	کم	
۵۷/۶	۳۲/۵	۵۱/۴	۳۸/۷	۲۰/۶	متوسط	روستا
۲۶/۳	۲۷/۲	۸/۲	۴۹/۸	۶۵/۴	زیاد	
۴/۹	۵/۸	۴/۱	۵/۸	۸/۶	کاملاً	

براساس نتایج جدول ۲، پابندی بُعد اعتقادی جوانان شهر و روستا، در سطح متوسط به بالاست؛ به گونه‌ای که بیش از ۸۳ درصد از جوانان شهر سنندج در بُعد اعتقادی امتیاز متوسط و بالاتر دارند و بیشتر از ۹۴ درصد از جوانان روستایی نیز امتیاز متوسط و بالاتر دارند. همچنین پابندی در بُعد عاطفی جوانان شهر و روستا، در سطح متوسط به بالاست؛ به گونه‌ای که بیشتر از ۸۵ درصد جوانان شهر سنندج و بیشتر از ۹۳ درصد جوانان روستایی امتیاز متوسط و بالاتر دارند. در بُعد پیامدی نیز بیشتر از ۵۹ درصد جوانان شهر سنندج، پابندی «کم» و «اصلاً» دارند؛ در حالی که ۳۶ درصد از جوانان روستاهای سنندج میزان پابندی «کم» و «اصلاً» دارند. در بُعد مناسکی، بیشتر از ۷۰ درصد جوانان شهر سنندج پابندی «کم» و «اصلاً» است در حالی که ۳۴ درصد از جوانان روستاهای سنندج میزان پابندی «کم» و «اصلاً» داشتند. مجموع ابعاد دینداری نشان می‌دهد که بیش از ۴۰ درصد جوانان شهر سنندج میزان دینداری «کم» و «اصلاً» داشتند در حالی که فقط ۱۱ درصد جوانان روستاهای سنندج میزان دینداری «کم» و «اصلاً» داشتند.

تحلیل دومتغیره و آزمون فرضیه‌های پژوهش: برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، هریک از متغیرهای مستقل جداگانه با متغیر وابسته و به صورت دو به دو مقایسه و بررسی شدند. با توجه

به این که متغیر وابسته و متغیرهای مستقل در سطح سنجش فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول ۳. ارتباط بین متغیرهای مستقل و وابسته به تفکیک ابعاد دینداری

متغیرهای مستقل	دینداری (مجموع ابعاد)		بُعد اعتقادی		بُعد عاطفی		بُعد پیامدی		بُعد مناسکی	
	سطح معناداری	r پیرسون	Sig	r پیرسون	Sig	r پیرسون	Sig	r پیرسون	Sig	r پیرسون
نوگرایی	۰/۰۰۱	-۰/۳۷**	۰/۰۰۱	-۰/۳۰**	۰/۰۰۱	-۰/۲۲**	۰/۰۰۱	-۰/۲۸**	۰/۰۰۱	-۰/۳۶**
کیفیت زندگی	۰/۰۰۱	۰/۲۳**	۰/۰۰۱	۰/۲۱**	۰/۰۰۱	۰/۱۴**	۰/۰۰۱	۰/۱۵**	۰/۰۰۱	۰/۲۲**
میزان استفاده از ماهواره	۰/۰۰۱	-۰/۱۸**	۰/۰۰۱	-۰/۱۵**	۰/۰۰۱	-۰/۰۷۷*	۰/۰۳۲	-۰/۲۱**	۰/۰۰۱	-۰/۱۵**
میزان استفاده از اینترنت	۰/۰۰۱	-۰/۳۶**	۰/۰۰۱	-۰/۳۲**	۰/۰۰۱	-۰/۲۸**	۰/۰۰۱	-۰/۲۷**	۰/۰۰۱	-۰/۳۰**
سال‌های دانشگاهی	۰/۰۰۱	-۰/۳۱**	۰/۰۰۱	-۰/۲۵**	۰/۰۰۱	-۰/۱۶**	۰/۰۰۱	-۰/۲۶**	۰/۰۰۱	-۰/۳۱**
مجموع ابعاد	۰/۰۰۱	-۰/۴۶**	۰/۰۰۱	-۰/۳۴**	۰/۰۰۱	-۰/۲۳**	۰/۰۰۱	-۰/۳۸**	۰/۰۰۱	-۰/۴۸**

جدول ۳ نشان می‌دهد که بین نوگرایی و ابعاد اعتقادی، عاطفی، پیامدی و مناسکی ارتباط معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد و میزان r پیرسون نمایانگر ارتباط معکوس و نزدیک به قوی است. با افزایش میزان نوگرایی، میزان پایبندی در ابعاد مختلف دینداری کاهش می‌یابد و برعکس؛ البته شدت این ارتباط در بُعد مناسکی بیشتر از دیگر ابعاد است. بین کیفیت زندگی و دینداری ارتباط معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد و میزان r پیرسون ۰/۲۳ است که نمایانگر ارتباط مستقیم و نسبتاً ضعیف است. بین میزان استفاده از ماهواره و دینداری ارتباط معناداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد و میزان r پیرسون ۰/۱۸

است که نمایانگر ارتباط معکوس و نسبتاً ضعیف است. بین میزان استفاده از اینترنت و دینداری ارتباط معنادار با سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد و میزان r پیرسون ۰/۳۶- است که نمایانگر ارتباط معکوس و نزدیک به قوی است. بین منشأ (ده سال اول زندگی) و دینداری ارتباط معنادار، در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد و میزان r پیرسون ۰/۳۶- است که نمایانگر ارتباط معکوس و نسبتاً قوی است. بین سال‌های دانشگاهی و دینداری ارتباط معنادار با سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد و میزان r پیرسون ۰/۳۱- است که نمایانگر ارتباط معکوس و متوسط است. در نتیجه با افزایش میزان سال‌های دانشگاهی، میزان دینداری کاهش می‌یابد.

۱. فرضیه اول: بین نوسازی و نابودی عقاید دینی ارتباط معنادار وجود ندارد (برگر دوم).
با استناد به نتایج جدول، ارتباط آماری معنادار بین دو متغیر نوسازی و پایبندی به عقاید دینی با احتمال ۰/۹۹ و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ وجود دارد و میزان r پیرسون ۰/۳۴- است که نمایانگر ارتباط معکوس و نسبتاً قوی است. با توجه به این نتیجه، فرض H_0 پژوهش مبنی بر فقدان معناداری آماری این ارتباط رد می‌شود و در مقابل فرض H_1 مبنی بر معناداری آماری این ارتباط تأیید می‌شود.

۲. بین نوسازی و عرفی‌شدن جوانان از جنبه بُعد عاطفی (تجربی)، ارتباط معنادار وجود ندارد (برگر دوم).

با توجه به نتایج، ارتباط آماری معنادار بین دو متغیر نوسازی و بُعد عاطفی (تجربی)، با احتمال ۰/۹۹ و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ وجود دارد و میزان r پیرسون ۰/۲۳- است که نمایانگر ارتباط معکوس و متوسط است. با توجه به این نتیجه، فرض H_0 پژوهش مبنی بر فقدان معناداری آماری این ارتباط رد می‌شود و در مقابل فرض H_1 مبنی بر معناداری آماری این ارتباط تأیید می‌شود.

۳. بین نوسازی و عرفی‌شدن جوانان از جنبه بُعد پیامدی، ارتباط معنادار وجود دارد (برگر اول).

با استناد به نتایج جدول، ارتباط آماری معنادار بین دو متغیر نوسازی و بُعد پیامدی با احتمال ۰/۹۹ و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ وجود دارد و میزان r پیرسون ۰/۳۸- است که نمایانگر ارتباط معکوس و نسبتاً قوی است. با توجه به این نتیجه، فرض H_0 پژوهش مبنی بر فقدان معناداری آماری این ارتباط رد می‌شود و در مقابل فرض H_1 مبنی بر معناداری آماری این ارتباط تأیید می‌شود.

۴. بین نوسازی و عرفی شدن جوانان از جنبه بُعد مناسکی (فردی و جمعی)، ارتباط معنادار وجود دارد (برگر اول).

با توجه به نتایج، ارتباط آماری معناداری بین دو متغیر نوسازی و مناسکی (فردی و جمعی)، با احتمال ۰/۹۹ و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ وجود دارد و میزان t پیرسون ۰/۴۸- که نمایانگر ارتباط معکوس و قوی است. با توجه به این نتیجه، فرض H_0 پژوهش مبنی بر فقدان معناداری آماری این ارتباط رد می‌شود و در مقابل فرض H_1 مبنی بر معناداری آماری این ارتباط تأیید می‌شود.

بررسی چندمتغیره و آزمون فرضیه‌های پژوهش در گام دوم

در این بخش برای مشخص شدن سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از تحلیل رگرسیونی^۱ و مسیر^۲ داده‌ها استفاده می‌کنیم. در تحلیل رگرسیونی چندمتغیره، سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته بدون توجه به تقدم و تأخر بین آنها مشخص می‌شود. همچنین با تحلیل مسیر، سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته با توجه به تقدم و تأخر بین آنها تعیین می‌شود.

جدول ۴. تحلیل رگرسیونی

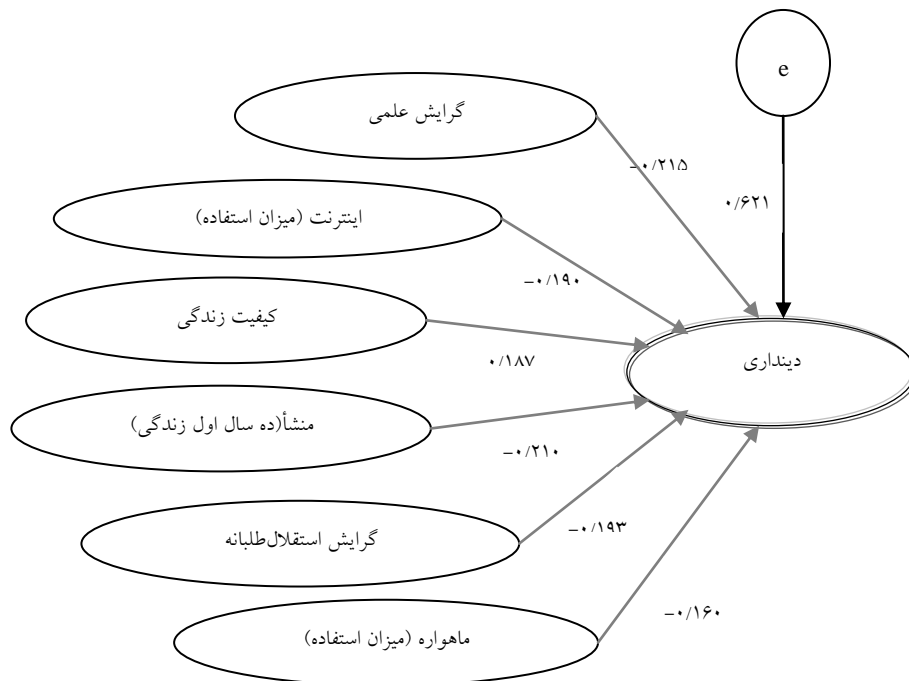
متغیرها (متغیرهایی که در معادله استفاده شده‌اند).	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب استاندارد	مقدار t سطح	معناداری
	B	Beta		
عرض از مبدأ (Constant)	۵۶/۱۷۳		۲۲/۹۷۲	۰/۰۰۱
گرایش علمی	-۰/۱۵۲	-۰/۲۱۵	-۵/۵۲۷	۰/۰۰۱
اینترنت	-۰/۲۰۰	-۰/۱۹۰	-۵/۳۶۸	۰/۰۰۱
کیفیت زندگی	۰/۲۴۷	۰/۱۸۷	۵/۶۳۹	۰/۰۰۱
منشأ (ده سال اول زندگی)	-۰/۰۹۵	-۰/۲۱۰	-۵/۸۵۲	۰/۰۰۱
گرایش استقلال طلبانه	-۰/۱۹۱	-۰/۱۹۳	-۵/۱۷۸	۰/۰۰۱
ماهواره	-۰/۱۱۷	-۰/۱۶۰	-۴/۸۶۱	۰/۰۰۱

1. Analysis Regression
2. Analysis Path

جدول ۵. شاخص‌ها و آماره‌های تحلیل رگرسیونی

خطای استاندارد	ضریب تعیین واقعی	ضریب تعیین	ضریب همبستگی چندگانه
۱۰/۹۷۱۶۸	۰/۳۷۹	۰/۳۸۵	۰/۶۲۱

براساس جدول ۵، ضریب همبستگی چندگانه^۱ $M.R = ۰/۶۲۱$ ، ضریب تعیین^۲ برابر با $R^2 = ۰/۳۸۵$ و ضریب تعیین واقعی برابر با $۰/۳۷۹$ است و بیانگر این است که نزدیک به ۳۸ درصد از واریانس و تغییرات دینداری از سوی متغیرهای موجود در معادله مشخص می‌شود. با توجه به این‌که در تحلیل رگرسیونی نامبرده از روش «گام به گام»^۳ استفاده شده است، ابتدا متغیر با بیشترین قدرت وضوح وارد الگوی رگرسیونی می‌شود و پس از این متغیر، متغیرهای دیگر به ترتیب بیشترین تأثیر بر روی متغیر وابسته، وارد الگو می‌شوند.

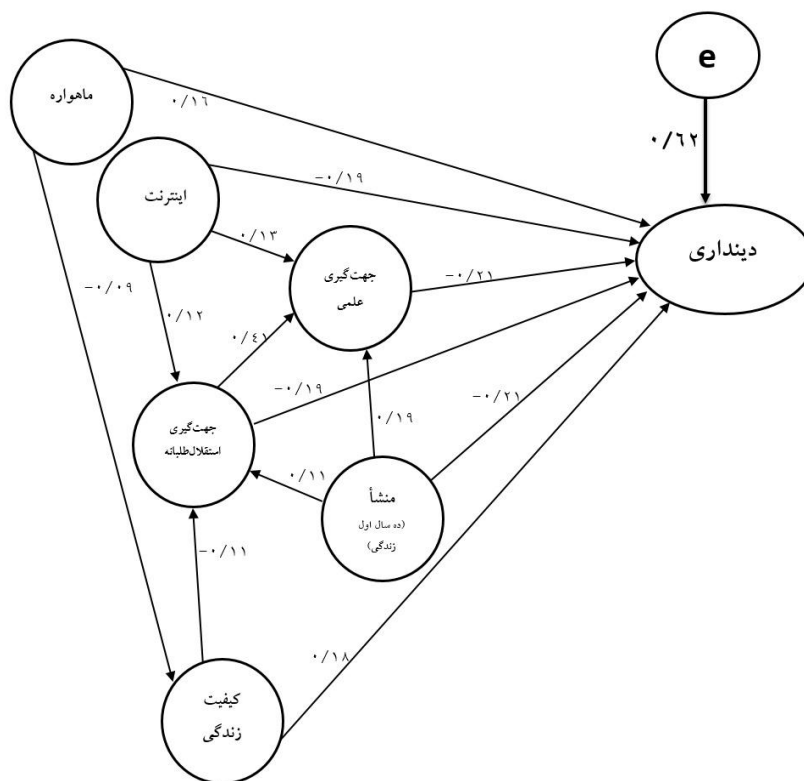


نمودار ۱. دیاگرام مربوط به عوامل مؤثر بر دینداری

1. Multiple Correlation R
2. R Square
3. Stepwise

در تحلیل رگرسیونی، تأثیر هریک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته بدون در نظر گرفتن هیچ‌گونه تقدم و تأخیری بین آنها نشان داده شد؛ همچنین براساس متغیرهای مستقلی که ارتباط معنادار با متغیر وابسته نشان دادند ترسیم معادله رگرسیونی امکان‌پذیر شد. در این قسمت برای مشخص شدن تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته با در نظر گرفتن تقدم و تأخر میان آنها، از تحلیل مسیر استفاده می‌کنیم و هدف، تشخیص اندازه تأثیر متغیرهای مستقل معنادار به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر متغیر وابسته است.

در این قسمت برای مشخص کردن آثار مستقیم و غیرمستقیم و نیز آثار کل متغیرهای مستقل مؤثر بر دینداری الگوی علی (مسیر) تشکیل شده است، نمودار ۲ عوامل مؤثر بر دینداری را با ضرایب مسیر نشان می‌دهد:



نمودار ۲. «عوامل مؤثر بر دینداری» با ضرایب مسیر

براساس نتایج نمودار ۲، ۳۸ درصد عوامل مؤثر بر تغییر نگرش دینی با میزان تأثیر مشخص شده‌اند و همچنان ۶۲ درصد عوامل مؤثر ناشناخته‌اند. از میان متغیرهای بررسی شده در این نمودار، «گرایش علمی» و «گرایش استقلال طلبانه» در نقش شاخص‌های نوگرایی و شهرنشینی بیشترین قدرت پیش‌بینی میزان دینداری را دارند. همچنین به ترتیب متغیرهای «منشأ»، «اینترنت»، «کیفیت زندگی» و «ماهواره» بر تغییر نگرش‌ها و رفتارهای دینی مؤثر بوده‌اند.

بحث در خصوص یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش به تفکیک متغیرها بدین ترتیب است:

محل زندگی (شهر و روستا): با توجه به عقیده برگر (۱۳۸۷) که شهرنشینی را از مهمترین شاخص‌های نوسازی می‌داند، نتایج این پژوهش نیز نشان داد که بین شهرنشینی و میزان پایبندی دینی ارتباط معنادار و معکوس وجود دارد. درخصوص تفاوت میزان دینداری بین جوانان شهر و روستاهای سنندج نیز تفاوت در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار بود و میانگین میزان دینداری بین جوانان سنندج از صد امتیاز برابر ۴۰ و بین جوانان روستاهای سنندج برابر با ۵۲ بود. مقدار $t(11/59) = -$ و $sig(0/001)$ نشانگر این تفاوت معنادار است. البته برای بررسی تفاوت میزان پایبندی و تعلق دینی بین روستاهای کردستان نیز از آزمون F استفاده شد و مقدار آزمون فیشر در سطح خطای کوچک‌تر از $sig(0/001)$ و با سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار بود و نشان داد که تفاوت میانگین میزان تعلق و پایبندی دینی بین روستاهای مختلف سنندج از جنبه آماری معنادار است. مقدار $F(12/77)$ و $sig(0/001)$ نشانگر این تفاوت معنادار است. براساس آزمون تفاوت میانگین شهر سنندج و شش روستای نامبرده، مقدار آزمون فیشر در سطح خطای کوچک‌تر از $sig(0/001)$ و با سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است و این بیانگر این مسئله است که تفاوت میانگین میزان تعلق و پایبندی دینی بین شهر و روستاهای مختلف سنندج از جنبه آماری معنادار است و ساختار تفاوت میانگین امتیازهای دینداری بین کنشگران شهر و روستاهای سنندج نشانگر این مسئله است.

سن: براساس یافته‌ها، سن پاسخگویان بر میزان دینداری آنها تأثیر معناداری ندارد؛ البته این بدان معنا نیست که نتیجه به دست آمده از متغیر سن، در سنندج و روستاهای آن صادق است زیرا سن پاسخگویان این پژوهش ۱۸-۲۹ سال بوده است. واضح است که برای بررسی ارتباط بیشتر بین سن و دینداری می‌بایست دامنه سنی گسترده‌تری را بررسی کنیم یا پژوهش طولی انجام

دهیم؛ زیرا نتایج پژوهش کسانی همچون هوارد بحر^۱ (۱۹۷۰) نشان می‌دهد که در دوره ۳۰-۱۸ سالگی میزان حضور در کلیسا بسیار کاهش می‌یابد و در دوره ۳۵-۳۰ سالگی این کاهش برطرف می‌شود و پس از ۳۵ سالگی تا کهنسالی به گونه‌ای یکنواخت افزایش می‌یابد.

جنس: زنان در همه ابعاد نسبت به مردان، میزان دینداری بالاتری دارند. نتایج این آزمون مشابه نتایجی است که طالبان (۱۳۸۰) در پژوهش خود در زمینه دینداری و بزهکاری به‌ویژه اثر جنسیت بر دینداری به‌دست آورده است. همچنین اسدی پویا (۱۳۷۶) در بررسی خود از مقایسه نمازخوانی مردان و زنان دریافت که درصد نماز نخواندن در مردها بسیار بیشتر از زن‌هاست. همچنین دیوید دی‌واس^۲ و یان مک‌الستر^۳ (۱۹۸۷) در پژوهش تحلیلی «تفاوت‌های جنسیتی در دین» به بررسی این مسئله پرداخته‌اند که چرا زنان از مردان مذهبی‌ترند؟ برای روشن کردن تفاوت‌ها از نظریه موقعیت ساختاری^۴ استفاده شده است که در آن از نقش زنان در نگهداری فرزند، مشارکت کمتر آنان در کار و نگرش نسبت به کار و خانواده در نقش عوامل ساختاری نام برده می‌شود که زمینه را برای مذهبی‌تر بودن زنان نسبت به مردان فراهم می‌کند (رستمی‌گوهری، ۱۳۸۱). البته این نکته مهم است که میزان پایبندی دینی بین زنان و دختران روستایی در همه ابعاد به‌جز بعد عاطفی، بیشتر از دختران و زنان شهر سندج بوده است. براساس بررسی تفاوت میزان دینداری با آزمون t به تفکیک شهر و روستا، تفاوت معناداری بین جنس و دینداری میان جوانان روستاهای سندج وجود دارد در حالی که بین جوانان شهر سندج این تفاوت معنادار نیست.

وضعیت اجتماعی- اقتصادی خانواده (SES): وضعیت اجتماعی- اقتصادی خانواده تأثیر معناداری بر میزان دینداری دارد؛ از جمله این متغیرها تحصیلات پدر و مادر، شغل پدر و مادر و میزان درآمد خانواده بوده است که براساس نتایج بین این متغیرها و تغییر نگرش و رفتار دینی ارتباط معناداری وجود داشته است. نتایج این پژوهش در تأیید نتایج پژوهش عطشانی (۱۳۷۹) بدین صورت است که همه این متغیرها (شغل، تحصیلات و درآمد خانواده) بر گرایش‌های ارزشی جوانان تأثیر داشته است. بدین معنا که با افزایش جایگاه شغلی، سطح تحصیلات و میزان درآمد خانواده (والدین)، گرایش‌های ارزشی جوانان کاهش می‌یابد. همچنین در پژوهش

1. Howard.M.Bohr
2. David Devaus
3. Eanmac Allester
4. Structura location theory

ملکی، بین ارزش‌های مذهبی نوجوانان با جایگاه اجتماعی- اقتصادی خانواده ارتباط معکوس وجود دارد. در پژوهش رستمی گوهری (۱۳۸۱) نیز یکی از عوامل مرتبط با رفتار دینی، میزان درآمد خانواده و میزان تحصیلات پدر بوده است. همچنین در پژوهش محمودی (۱۳۸۰) نیز فرضیه پژوهش مبنی بر بیشتر بودن عمق باورهای دینی در قشرهای پایین جامعه تأیید می‌شود.

کیفیت زندگی: اگرچه براساس یافته‌ها، میزان کیفیت زندگی بیشتر جوانان شهر و روستا بالاتر از میانگین در توزیع است در مجموع بیش از ۹۶ درصد پاسخگویان شهری و ۹۹ درصد پاسخگویان روستایی کیفیت زندگی خود را متوسط و پایین‌تر ارزیابی کرده‌اند. همچنین کیفیت زندگی در شهر و روستا با میزان دینداری ارتباط مستقیم و معنادار داشت اما این نتایج لزوماً مخالف با مباحث نظری اینگلهارت نیست زیرا به عقیده اینگلهارت، حرکت از نیازهای مادی به فرامادی مستلزم افزایش کیفیت زندگی است و این مفهوم چند بُعد را دربر می‌گیرد و فقط محدود به بُعد روان‌شناختی کیفیت زندگی نیست؛ بنابراین تضاد این نتایج با موضوع ارتباط کیفیت زندگی و عرفی‌شدن اینگلهارت این‌گونه بیان می‌شود که سنجش کیفیت زندگی در این پژوهش بر مبنای تعریف سازمان بهداشت جهانی^۱ است که «تفسیر شخصی هر فرد از وضعیت زندگی‌اش بر مبنای فرهنگ و نظام ارزشی است که در آن زندگی می‌کند» (بولینگ، ۱۹۹۵). این سنجش محدود به نگرش فرد است در حالی‌که شاخص‌های کیفیت زندگی فراتر از شاخص‌هایی همچون امنیت عمومی، هزینه خوراک، فضای سکونت، تسهیلات عمده مسکن، ارتباطات، آموزش، بهداشت عمومی، آرامش عمومی، حمل‌ونقل و هوای سالم است (آسایش، ۱۳۸۰). در نتیجه در این پژوهش به علت محدود بودن سنجش کیفیت زندگی به نگرش فرد، ممکن است پاسخگو از سطح کیفیت زندگی خود به دلایل مختلف همچون تأثیر نگرش دینی، راضی باشد؛ در حالی‌که فاقد «امنیت حیاتی» لازم باشد. بنابراین کیفیت زندگی در این پژوهش با دینداری ارتباط مستقیم و معنادار داشته است و این نتایج با یافته پژوهش (غباری بناب، باقر؛ ۱۳۸۰) همخوانی دارد.

رسانه‌های ارتباطی: بر مبنای یافته‌های این پژوهش، بین میزان استفاده از رسانه‌هایی همچون اینترنت و ماهواره و دینداری ارتباط معنادار وجود دارد؛ به گونه‌ای که رسانه‌ها در نقش حاملان ثانویه نوسازی با میزان دینداری پاسخگویان جوان در شهر و روستاهای سنندج ارتباط معکوس

داشته است. اما بیان این نکته ضروری است که در زمینه میزان برخورداری از ماهواره، بین شهر و روستا تفاوت چندانی وجود نداشت؛ چنانچه در شهر فقط ۳۲ درصد و در روستا ۳۵ درصد اصلاً از ماهواره استفاده نکرده‌اند؛ میزان فقدان استفاده از اینترنت در روستاهای سنندج بالاتر از ۹۰ درصد است ولی در شهر سنندج فقط ۳۲ درصد است. حال با توجه به نتایج این پژوهش و نتایج پیشین، ضریب همبستگی بین میزان استفاده از اینترنت و تغییرات دینداری بیشتر از ضریب همبستگی میزان استفاده از ماهواره و دینداری بود؛ در نتیجه با وجود اینترنت در نقش رسانه مؤثرتر در زمینه ورود «آگاهی» در شهر سنندج و حضور کمتر این رسانه در روستاها، تفاوت معناداری بین میزان پایبندی دینی بین جوانان روستا وجود دارد.

نوگرایی: یافته‌ها نشان داد که با وجود پایین بودن میزان نوگرایی جوانان چه در شهر و چه در روستا، نتایج بین شهر و روستا متفاوت بود به گونه‌ای که بیش از ۸۷ درصد از پاسخگویان روستا میزان نوگرایی «کم» و «خیلی کم» داشتند ولی در شهر این میزان ۶۴ درصد بود و پراکندگی میزان نوگرایی جوانان روستا قرینه نبود. چولگی مثبت آن نشان می‌داد که تعداد جوانان روستایی با نمره کمتر از میانگین بیشتر از جوانانی است که نمره‌ای بیشتر از میانگین را به خود اختصاص داده‌اند. ولی در شهر برعکس بود و میزان چولگی منفی بود. در زمینه ابعاد نوگرایی نیز نتایج کمی واضح‌تر بود به گونه‌ای که بین هفت بُعد نوگرایی: گرایش به پیشرفت، گرایش علمی، گرایش استقلال طلبانه، گرایش تساوی طلبانه، گرایش دموکراتیک، گرایش جهانی و مدنی؛ ابعادی مانند گرایش علمی و استقلال طلبانه با میزان همبستگی بالا و تغییر نگرش و رفتار دینی بودند ولی ابعادی همچون گرایش مدنی کمترین میزان همبستگی را داشت معنادار نبود.

براساس نتایج رگرسیون چندمتغیره نیز از مجموع ۱۷ شاخص نامبرده، به برنامه رگرسیونی (مانند گرایش به پیشرفت، گرایش علمی، گرایش استقلال طلبانه، گرایش تساوی طلبانه، گرایش دموکراتیک، گرایش جهانی، گرایش مدنی، میزان استفاده از اینترنت، میزان استفاده از ماهواره، کیفیت زندگی، جایگاه اقتصادی و اجتماعی خانواده، منشأ، سن، جنس، مذهب، تحصیلات و سال‌های دانشگاهی) عوامل مؤثر بر دینداری به ترتیب بیشترین تأثیر در گرایش علمی، منشأ (ده سال اول زندگی)، گرایش استقلال طلبانه، میزان استفاده از اینترنت، کیفیت زندگی و ماهواره وجود داشت.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش ضمن توضیح فضای دو مفهوم «نوسازی» و «دینداری»، به این پرسش پرداخته شد که آیا نوسازی منجر به نابودی دینداری می‌شود؟ برای همین با مروری بر فرضیه‌های موجود در این خصوص و با تأکید بر نظریه‌های پیتر برگر، ارتباط نوسازی و دینداری را بررسی کردیم.

چنان‌که گفته شد کردستان جهان مدرن را به شکل غربی آن تجربه نکرده است و از سوی دیگر هیچ‌گاه دین نه در کردستان بلکه حتی در ایران، رخت برنسته است تا اکنون سخن از بازگشت دین امکان‌پذیر باشد؛ موضوع بازگشت دین در آمریکا یا بخش‌هایی از اروپا موضوع دیگری است که این‌جا مجال پرداختن به آن نیست. فقط به این نکته بسنده می‌کنیم که برگر به تغییر چیستی دین و دوباره احیاشدن آن معتقد نیست بلکه معتقد است که در جهان کنونی چگونگی دینداری تغییر کرده است. اما از سوی دیگر برگر از احیای دین در ایران (در دوره انقلاب اسلامی) در نقش نقیض‌های فرضیه «سکولاریزاسیون» سخن می‌گوید و استیو بروس نیز (معتقد جدی برگر) معتقد به چنین بازگشتی نیست.

فرضیه‌های این پژوهش براساس اندیشه‌ها و دیدگاه‌های پیتر برگر در خصوص ارتباط نوسازی و دینداری بیان شده‌اند. برگر دو دوره فکری در این زمینه دارد؛ در دوره اول معتقد است که نوسازی منجر به نابودی دینداری و گسترش پدیده عرفی‌شدن در جوامع جدید می‌شود؛ و در دوره دوم با تغییر نگرش در دیدگاه‌های پیشین، بر آن است که مدرنیته و به تبع آن نوسازی لزوماً منجر به نابودی دینداری نمی‌شود.

نتایج آزمون‌های آماری و تحلیل چندمتغیره نیز نشان می‌دهند که متغیرهای مستقل پژوهش ارتباط معنادار با متغیر وابسته پژوهش دارند؛ به‌ویژه متغیرهای ترسیم‌شده در الگوی رگرسیون، همان متغیرهایی هستند که در بخش اسنادی پژوهش («حاملان ثانویه» از نگاه برگر) در نقش «عوامل مؤثر بر دینداری در جامعه جوان شهر و روستاهای سنندج» بررسی کرده‌اند؛ اما در زمینه تفاوت میزان پایبندی و تعلق دینی کنشگران شهری و روستایی نتایج نشان می‌دهد باوجود این‌که شهرنشینی همچنان یکی از عوامل مؤثر بر دینداری است و آزمون تفاوت میانگین شهر سنندج و شش روستای نامبرده نشان می‌دهد که تفاوت میانگین میزان تعلق و پایبندی دینی بین شهر و روستاهای مختلف سنندج از جنبه آماری معنادار است و ساختار تفاوت میانگین امتیازهای دینداری بین کنشگران شهر و روستاهای سنندج نیز همین موضوع را اثبات می‌کند. با وجود این بررسی تفاوت میانگین میزان تعلق و

پایبندی دینی بین روستاهای مختلف سنندج نیز از جنبه آماری معنادار است و ساختار تفاوت میانگین دینداری بین کنشگران روستاهای سنندج نشانگر آن است که با توجه به میزان نزدیکی روستاها به سنندج و تأثیر مجاورت با شهر، سه روستای سراب‌قامیش، اجگره و کلکان به ترتیب متأثر از شهر سنندج بودند و هرچه میزان رفت‌وآمد شهری کمتر شده است میزان تعلق و پایبندی دینی افزایش داشته است؛ اما در سه روستای محراب، نیر و تنگی‌سر میزان تعلق و پایبندی دینی پاسخگویان همانند روستای سراب‌قامیش است که کنشگران آن بیشترین رفت‌وآمد را با شهر سنندج دارند. بر مبنای این نتایج، فقط میزان رفت‌وآمد با شهر ممکن نیست میزان دینداری پاسخگویان را مشخص کند. بر اساس بررسی میدانی در دو روستای نیر و تنگی‌سر، از جنبه سیاسی ماجراهای تاریخی داشته‌اند. این ماجراها، کنشگران را به نوعی ملی‌گرایی کوردی (ناسیونالیزم^۱) سوق داده است. اگرچه روستای محراب نیز بی‌تأثیر از این ماجراها نمانده است اما به هر حال شدت پویایی این ماجراها در دو روستای نیر و تنگی‌سر بیشتر بوده است.

با توجه به نتایج این پژوهش، نوسازی در سنندج و روستاهای آن با دینداری و همه ابعاد آن ارتباط معنادار و معکوس دارد؛ ارتباط نوسازی و چهار بُعد دینداری (اعتقادی، عاطفی، پیامدی، مناسکی) این‌گونه بود که میزان همبستگی معنادار و معکوس نوسازی با ابعاد اعتقادی و عاطفی شدت کمتری در مقایسه با دو بُعد پیامدی و مناسکی داشت.

انطباق نتایج کنونی با یکی از دو دوره فکری برگر امکان‌پذیر نیست؛ در واقع با توجه به این‌که روح و اندیشه نوسازی در ایران و به تبع آن در کردستان «همیشه ناباور، متزلزل و سرگردان» (عنبری، ۱۳۸۳؛ ۲۸۸) بوده است؛ پس این مفهوم در کردستان چندان «درونی» و گسترده نیست که نتیجه مشخصی از تعامل آن با دین و دینداری به دست آید. با وجود این‌که بخشی از باورهای دینی بین اغلب جوانان تقریباً قوی ارزیابی می‌شوند؛ اما نتایج این پژوهش با دوره اول فکری برگر (ارتباط معکوس نوسازی و دینداری) همخوانی بیشتری دارند؛ زیرا در دوره دوم، برگر معتقد است اگرچه بُعد نظم‌بخش و نهادین دین در حال فروکاهش است اما بُعد شناختاری و فردی آن همچنان در حال رشد است در حالی‌که در همه ابعاد دینداری، جوانانی که بیشتر متأثر از نوسازی بوده‌اند تعلق و پایبندی به مراتب کمتری داشته‌اند. باید به این نکته مهم توجه کنیم که دو مفهوم «نابودی» و «چگونگی» دینداری در بیشتر

تفاسیر چنان دامنه‌ای دارند که هم‌پوشانی آنها انکارناپذیر است. بنابراین بررسی نتایج این پژوهش و پژوهش‌های مرتبط دیگر تا اندازه زیادی در چارچوب هر یک از این مفاهیم امکان‌پذیر است.

یادداشت

۱- واژه «سنت» برگرفته از واژه لاتینی Traditio است؛ معنایی که امروزه برای آن به‌کار می‌رود همان معنایی است که رنه‌گونون در آغاز سده بیستم و برای تبعیض میان چیزی که سنت می‌نامیم از تجددگرایی بر آن بار کرد (نصر، ۱۳۸۵).

۲- «گردونه»^۱ در زمینه دین‌شناسی هندو بیان می‌شود. این واژه با حرف کوچک «j» به معنای نیروی مهیب و تخریبی است و با حرف اول بزرگ «J» نام گاری مخصوص حمل تمثال کریشنا در جشن‌های هندویان بوده است. افراد پیرو کریشنا خود را زیر چرخ‌های این گاری می‌انداختند و قربانی می‌کردند. این اسم، تغییر یافته اسم Jaggernaut است که یکی از نام‌های کریشنا بوده است و برگرفته از اسم هندی Jagannath به معنای خدای جهان است که خود از دو اسم ترکیب شده است. اسم سانسکریت jagat به معنای «جهان» و اسم natha-s به معنای «خدا»؛ «گردونه بی‌مهار» اصطلاحی است که گیدنز (۱۳۸۴: ۴۲؛ ۱۳۸۷) از آن برای پیامدهای مدرنیزاسیون استفاده می‌کند.

۳- دو پژوهشگر مهم فرضیه «جامعه بیم‌زده»، اُلریش بک^۲ و آنتونی گیدنز^۳ هستند (لاپتن، ۱۳۸۰).

۴- سکولاریزاسیون از دیدگاه برگر فقط نهادها و واقعیت‌های بیرونی را در بر نمی‌گیرد، بلکه دنیای اذهان افراد را نیز در بر می‌گیرد. سکولاریزاسیون بُعدی ذهنی نیز دارد که به آگاهی مربوط می‌شود. بنابراین سکولاریزاسیون از دیدگاه برگر دو بعد دارد: بُعد اجتماعی- ساختاری که به معنای جدایی نهادها از جامعه از قلمرو دین است و دیگری سکولاریزاسیون ذهنی- شناختاری که به معنای فقدان استفاده تفسیرهای مذهبی در رفتار و پندار خویش است (برگر، ۱۹۶۷: ۱۰۸؛ به نقل از کرمی‌پور، ۱۳۸۸).

۵- دیدگاه‌های بیان‌شده از برگر از سوی آلبرشت و هیتون، مربوط به دوره اول برگر است و در دوره دوم، برگر با آگاهی به این پژوهش‌ها موضوع چگونگی دینداری را بیان می‌کند و معتقد است که لزوماً جهان مدرن منجر به فقدان بهره‌مندی کنشگران از تفسیر دینی نمی‌شود.

1. Juggernaut
2. Ulrich Beck
3. Anthony Giddens

- ۶- عرفی شدن در بُعد «ذهنی- شناختاری» به معنای فقدان استفاده تفسیرهای مذهبی در رفتار و پندار خویش است.
- ۷- درخصوص «سنت قدسی» در مسیحیت و «سنت ناقده» در اسلام، رجوع شود به «سه گونه قرائت از سنت در عصر مدرنیته» در سنت و سکولاریسم (مجتهد شبستری؛ ۱۳۸۸). همچنین در زمینه عام یا خاص بودن ادیان، رجوع شود به «دین، جامعه و عرفی شدن» (شجاعی زند، ۱۳۸۰؛ ۳۸) و نیز عرفی شدن در تجربه مسیحی (شجاعی زند، ۱۳۸۱؛ ۲۸۹).
- ۸- در این پژوهش شاخص‌های نوگرایی برگرفته از پژوهش‌های مهدیزاده (۱۳۸۱) و روزی بیدگلی (۱۳۸۲) است.
- ۹- «سایبان مقدس»^۱ نام کتابی است از برگر، که در چاپ‌های بعدی با نام «واقعیت اجتماعی دین» منتشر شد.

منابع

- آسایش، حسین (۱۳۸۰)، «سنجش کیفیت زندگی در یکصد شهر بزرگ جهان»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸: ۱۰۶-۹۴.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: مؤسسه نشر کلمه.
- اسدی پویا، علی‌اکبر و همکاران (۱۳۸۰)، «تعیین میزان نمازخوانی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز»، اولین همایش دین در بهداشت روان: ۱۴.
- افشانی، سیدعلی‌رضا (۱۳۸۱)، بررسی چگونگی تساهل سیاسی در شکل‌های دانشجویی، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- اینگلهارت، راندل و بیکر، واین (۱۳۸۵)، «توسعه انسانی در نقش نظریه‌ای برای تغییر اجتماعی»، ترجمه حامد حاجی‌حیدری، فصلنامه راهبرد یاس، شماره ۷: ۴۰۰-۳۴۱.
- اینگلهارت، راندل و ولزل، کریستین (۱۳۸۹)، نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: انتشارات کویر.
- برگر، پیتر (۱۳۸۷)، «دنیای دین در جهان سکولاریسم (گفت‌وگوی چارلز تی. ماتیوس با برگر)»، ترجمه حمید پورنگ، اخبار ادیان، شماره ۱ و ۲.
- برگر، پیتر؛ کلنر، هانسفرید و برگر، بریجت (۱۳۸۱)، ذهن بی‌خانمان (آگاهی و نوسازی)، ترجمه محمد ساوجی، تهران: نشر نی.

- برمن، مارشال (۱۳۷۹)، *تجربه مدرنیته: هر آنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود*، ترجمه مراد فرهادپور، تهران: طرح نو.
- توسلی، غلام‌عباس و مرشدی، ابوالفضل (۱۳۸۵)، «بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۴: ۹۶-۱۱۸.
- رستمی گوهری، عصمت (۱۳۸۱)، *بررسی رفتار دینی و عوامل مرتبط با آن در دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه شهر کرمان*، کرمان: پژوهشکده تعلیم و تربیت استان کرمان.
- روزی بیدگلی، زهرا (۱۳۸۲)، «نوگرایی زنان فعال در حوزه فرهنگی»، *پژوهش زنان*، شماره ۷: ۹۸-۱۷۷.
- زارع، مریم (۱۳۸۴)، *بررسی تغییر نگرش‌ها و رفتارهای دینی جوانان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.
- سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۸)، «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آن برای نظریه سکولار شدن»، *نمایه پژوهش*، شماره ۹ و ۱۰: ۱۰۵-۱۸.
- _____ (۱۳۸۳)، *چالش‌های دین و مدرنیته*، تهران: طرح نو.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۴)، *فربه‌تر از ایدئولوژی*، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- _____ (۱۳۸۸)، *سنت و سکولاریسم*، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- سعیدی، محمدمسعود (۱۳۸۶)، «نقد آرای شجاعی زند»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هشتم، شماره ۴: ۳۴-۱۰۵.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۷۸)، «تعریف دین و معضل تعدد»، *نقد و نظر*، شماره ۱۹ و ۲۰: ۹۷-۲۳۴.
- _____ (۱۳۸۱)، *عرفی‌شدن در تجربه مسیحی و اسلامی*، تهران: مرکز بازشناسی ایران و اسلام.
- شریعتی، سارا (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی مدرنیته دینی*، سایت انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوشنبه ۲۲ آبان، www.isa.org.ir/node/1048.
- شهبازی، عبدالله (۱۳۸۱)، *تجدد، توسعه و جهان امروز*، مطالعات سیاسی، کتاب دوم، صص ۴۹-۷؛ و نیز سایت رسمی شهبازی، www.shahbazi.org.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۰)، *دینداری و بزهکاری در میان جوانان دانش‌آموز*، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- طاهرعطشانی، عبدالعلی (۱۳۷۹)، *بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی خانواده بر گرایش‌های ارزشی دینی و مذهبی جوانان* (مطالعه موردی جوانان ۲۴-۱۵ ساله شهرستان ملایر)، پایان‌نامه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

- العطاس، سیدمحمد نقیب (۱۳۷۴)، *اسلام و دنیوی گری*، ترجمه احمد آرام، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه.
- عنبری، موسی (۱۳۸۳)، *بررسی فرایند توسعه اجتماعی در ایران عصر پهلوی* (با تأکید بر پهلوی دوم)، پایان‌نامه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، رساله دکتری تخصصی.
- غباری‌بناب، باقر (۱۳۸۰)، «باورهای مذهبی و آثار آنها در بهداشت روان»، *اندیشه و رفتار*، شماره ۴: ۶۳-۹۴.
- غلامی‌پور، اسماعیل (۱۳۸۸)، *تبیین رابطه دینداری و ارزش‌های سیاسی نسل جوان*، پایان‌نامه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، رساله کارشناسی ارشد.
- فرجی، مهدی و کاظمی عباس (۱۳۸۸)، «بررسی وضعیت دینداری در ایران»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، شماره ۶: ۷۹-۹۵.
- کریمی‌پور، الله‌کرم (۱۳۸۸)، «پیتر برگر و جامعه‌شناسی دین»، *هفت آسمان*، شماره ۴۲: ۶۲-۱۴۳.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، *چشم‌اندازهای جهانی*، ترجمه جلالی‌پور، طرح نو.
- _____ (۱۳۸۷)، *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- لاپتن، دبور (۱۳۸۰)، «بیم و مدرنیزاسیون تأملی»، *ارغنون*، شماره ۱۸: ۳۱۶-۲۹۳.
- محمودی، مهری (۱۳۸۰)، «رابطه قشریندی اجتماعی و گرایش‌ها و رفتارهای دینی در تهران»، *نامه پژوهش*، سال پنجم، شماره‌های ۲۰ و ۲۱.
- مهدیزاده، شراره (۱۳۸۱)، *تلویزیون و نوگرایی*، رساله دکترا، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- مهدیزاده، محمدرضا (۱۳۷۹)، *بررسی تغییر نگرش‌های دینی دانش‌آموختگان آموزش عالی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- میرزایی، حسین (۱۳۸۲)، *جلال اهل قلم* (زندگی، آثار و اندیشه جلال آل‌احمد)، تهران: انتشارات سروش.
- نایی، هوشنگ و آزادارمکی، تقی (۱۳۸۵)، «سکولاریسم و رابطه آن با تحصیلات عالی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۳: ۷۶-۹۳.
- نبویان، سیدمحمود (۱۳۸۳)، «دین سکولار یا دین عرفی شده»، *مجله رواق اندیشه*، شماره ۳۵: ۳-۲۸.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۵)، *در جست‌وجوی امر قدسی* (گفت‌وگوی رامین جهان‌نگلو با سیدحسین نصر)، تهران: نشر نی.

- نصیری، حبیب‌الله و رضویه، اصغر (۱۳۸۵)، «بررسی کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه شیراز»، براساس مجموعه مقالات سومین سمینار (WHOQOL-BREF) مقیاس کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی، سراسری بهداشت روانی دانشجویان.
- وکیلی‌زاد، سیروس (۱۳۷۸)، «نوسازی و توسعه در ایران»: برخورد آگاهی، مترجم: طایفی، علی، کریمی، وهاب، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۴۷ و ۱۴۸: ۳۶-۴۹.
- یوسف‌زاده، حسن (۱۳۸۹)، «نگاهی انتقادی بر رویکرد پدیدارشناسانه پیتز برگر درباره دین و نظم اجتماعی»، معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۲: ۱۰۸-۸۳.
- _____ (۱۳۸۸)، بررسی تحول آرای پیتز برگر درباره دین و عرفی‌شدن، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پرورشی امام‌خمینی.